

نقش تساهل و مدارا در حل و فصل منازعه‌های سیاسی و ارتقاء ظرفیت نظام جمهوری اسلامی ایران

محمدجعفر جوادی ارجمند^{۱*}، رئوف رجایی^۲

^۱ دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

منازعه‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (ج.ا.ا) را باید نوع پیچیده و ویرانگر منازعه‌های اجتماعی به‌شمار آورد که از موانع راهبردی توسعه سیاسی و عامل اصلی بی‌ثباتی، کاهش آستانه تحمل نظام سیاسی، و تهدیدکننده منافع ملی است که در نهایت تعادل کارکردی نظام را درهم‌ریخته و آن را آماده اوج‌گیری بحران‌ها می‌نماید. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چه سازوکارهای موثری برای حل و فصل منازعه سیاسی وجود دارد؟ ۲. چگونه می‌توان از راهبرد اثربخش تساهل و مدارا برای حل و فصل منازعه‌های سیاسی و در پی آن توسعه و ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی ج.ا.ا استفاده کرد؟ با رویکردی کیفی از روش پژوهش فرآیند چرخه‌ای تحلیل سارانتاکوس تلاش خواهد شد تا افزون بر پاسخ‌گویی به این دو پرسش، فرضیه‌ای آزمون شود که در آن استدلال شده که نهادینه‌شدن تساهل و مدارا در جامعه کنونی ایران می‌تواند در حل و فصل منازعه‌های سیاسی و مدیریت آن مؤثر واقع شود، و از این راه به ارتقای ظرفیت سیاسی و کارآمدی نظام ج.ا.ا برای رویارویی با چالش‌های اجتماعی کمک کند. یافته‌های پژوهش به شکل الگوی پیشنهادی ارائه شده است که مؤید نقش ایجابی و مؤثر راهبرد تساهل و مدارا به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب، در حل و فصل منازعه‌های سیاسی و توانمندسازی نظام ج.ا.ا است.

واژگان کلیدی: تساهل و مدارا، حل و فصل منازعه، ظرفیت‌سازی، منازعه سیاسی، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران

* نویسنده مسئول، رایانامه: mjavad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۴ شهریور ۱۳۹۸، تاریخ تصویب: ۲۱ شهریور ۱۴۰۱

۱. مقدمه

در عصر کنونی، مدارا و تساهل سیاسی نه تنها ضرورت اخلاقی که یک ارزش اجتماعی و لازمی وجود یک جامعه تکثرگرا، است (Tsang, 2014: 286) در واقع علت اهمیت تساهل سیاسی، مزایای آن برای جامعه است: توسعه فرهنگ نقدپذیری، دوگویی (دیالوگ)^۱ به عنوان آلترناتیو تک‌گویی (مونولوگ)^۲، عقلانی‌ساختن فضای حاکم بر جامعه، نهادینگی مسئولیت اجتماعی و تمهید فرهنگ گفت‌وگو، تقویت اعتماد و خوش‌بینی در مناسبات اجتماعی و وحدت و همگرایی در سطح ملی. در همین راستا می‌توان پیامدهای منفی نبود رواداری را نیز در مواردی همچون تشدید انزواگرایی، ترویج فردمحوری محض و برجسته‌ترین آنها یعنی خشونت سیاسی دنبال کرد (Hutchison, 2014: 797) به تعبیر دیگر، نبود تساهل و مدارای سیاسی، اجتماع انسانی را به سوی بی‌ثباتی یا سرکوب یا هر دو دلالت می‌نماید (Tsang, 2014: 286).

جامعه ایران نیز در چارچوب تحلیلی بالا، کانون تعارض‌ها در عرصه احزاب و عقاید سیاسی و جناح‌ها، و دربرگیرنده نمونه‌هایی از خشونت سیاسی است که موجب اهمیت تساهل سیاسی برای دولت به عنوان یک مسئله و دشواره شده است (بشیریه، ۱۳۹۰: ۱۱۹). تساهل و مدارا رابطه مستقیم با حل و فصل منازعه سیاسی دارد. در عرصه‌های اخلاق سیاسی از جمله سعه صدر، به معنی گنجایش فکری و روانی و قلبی برای پذیرش علم، قدرت، خوشی‌ها و ادراکات و احساسات مدخوله به آن است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۸۵: ۲۸). عدالت که از ارکان اصلی بعثت انبیا است (آیه ۲۵ سوره حدید، ۱۳۸۹)، و رعایت برابری که حقوق شهروندی برابر در اسلام برای شهروندان، که از امتیازهای برابر در مسائلی همچون مشارکت سیاسی، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی دربرگیرنده حقوق سیاسی، قضایی، و مانند آنها، و نیز حق بهره‌مندی از برابری قانونی و برابری حقوق اجتماعی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۴۲) متبلور می‌شود که خود از عوامل کم‌کننده منازعه‌های سیاسی است، برای این‌که برقراری سعه صدر، برابری و عدالت که از حوزه‌های اخلاق سیاسی است از عرصه‌های متأثر از سیاست تساهل و مدارا است، می‌تواند رابطه میان حاکمیت و جامعه را براساس رعایت حقوق متقابل و دور کردن هرگونه رابطه سلطه‌جویانه تنظیم نماید، و به حل و فصل منازعه‌های سیاسی داخلی یاری رساند. همچنین حوزه رفتار سیاسی، که متأثر از سیاست مهربانی و مدارا است و ناظر بر کنش‌های حاکمیت با مردم است، به نحوی که با مقوله‌هایی مانند رفتار با اقلیت‌های دینی، شیوه رویارویی حاکمیت با آزادی‌های مشروع، و مانند آنها مرتبط می‌شود، در سایه اتخاذ راهبرد تساهل و مدارا به عنوان

-
1. Dialogue
 2. Monologue

شیوه حکمرانی برتر، می‌تواند موجب ایجاد ثبات سیاسی و جلوگیری از منازعه‌های سیاسی شود. در واقع منازعه‌های سیاسی را باید در جبهه مخالف تساهل و مدارا قرار داد، زیرا منازعه سیاسی اعمال زور و اجبار از سوی یک شخص حقیقی یا حقوقی بر طرف مقابل است تا انعطاف لازم را در آنها براساس اهداف عامل زور فراهم آورد، از این رو، منازعه، محدودکننده اختیار و اراده است، در حالیکه تساهل و تسامح به تحمل‌پذیری دیگران نظر داشته و قائل به آزادی است (فکوهی، ۱۳۹۰: ۳).

نقش تساهل و مدارا در عرصه تقنین و تشریح هم مهم است، چون در تقنین و تشریح احکام دینی، دین اسلام احکام و آموزه‌های خود را با توجه به محدودیت‌های بینشی و علمی انسان‌ها، ضمن حفظ اصول ثابت، مبتنی بر تساهل و مدارا نموده است (سلطانی‌وش، ۱۳۹۶: ۶۷-۶۱). بدین ترتیب، تساهل و مدارا که در حوزه‌های مهم اخلاق سیاسی، رفتار سیاسی و قانون‌گذاری و تشریح احکام در اسلام مورد توجه است را باید عامل موثری در حل و فصل منازعه‌های سیاسی در ج.ا.ا که برخاسته از ارزش‌های اسلامی است، دانست که تحقق عملی این راهبرد، می‌تواند در ایجاد ثبات و ارتقاء ظرفیت سیاسی نظام نقش راهبردی ایفا نماید، زیرا ظرفیت سیاسی موجب افزایش سازگاری و ایجاد توازن بین تهدیدهای بیرونی و قابلیت‌های درونی می‌شود و تقویت این ظرفیت با تساهل و مدارا ممکن است. بروز منازعه‌های سال ۱۳۸۸ در ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری را باید در همین نبود فرهنگ تساهل و مدارا بین جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی، نبود فرهنگ سیاسی پویا، ناشی از دوران تاریخی حاکمیت استبداد، نبود عقلانیت جمعی، دور زدن قانون، تقدم منافع شخصی بر منافع ملی، و مانند آنها جست (رجایی، ۱۳۹۹: ۱۶۵). در پژوهش به عمل آمده نیز ویژگی‌های فردی فرهنگ و شناسنامه سیاسی تاریخی ایرانیان با عوامل عینی شده، مانند بدبینی، کنش‌های ناعقلانی، نبود تکریم همدیگر، بی‌اعتمادی به گونه‌گونی سلیقه‌ها و ارجحیت منافع فردی بر منافع همگانی (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۱۶۶-۱۶۵) مؤید نقش این عوامل در بروز منازعه‌های سیاسی بوده است. پژوهش مقایسه‌ای سیونگیو حکایت از نبود رویکرد مثبت ایرانیان به قضیه رقابت است که بیانگر رگه‌هایی از وجود اقتدارگرایی در ایرانیان است (سیونگیو، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۱۹۹). این امر نیز نشانگر اهمیت راهبرد تساهل و تسامح در کاهش منازعه‌های سیاسی است.

۲. پیشینه پژوهش و تعاریف مفاهیم

در مورد مفاهیم تساهل، مدارا، ظرفیت سیاسی و نیز حل و فصل منازعه‌های سیاسی در ج.ا.ا. پژوهش‌هایی تک‌بعدی و با رویکرد نظری انجام شده است، ولی پژوهش مستقل و منسجمی درباره ارتباط دوسویه تساهل، مدارا، حل و فصل درگیری‌های سیاسی، و ارتقاء ظرفیت نظام صورت نگرفته است. در این بخش، به مهمترین تعاریف ارائه شده برای مفاهیم اصلی در جدول ۱ و به پژوهش‌های پیشین اشاره شده است.

جدول ۱. تعاریف ارائه شده برای مفاهیم اصلی در پژوهش درباره نقش تساهل و مدارا در سروسامان دادن به

منازعه‌های سیاسی

مفهوم	تعاریف
تساهل ^۵	سهل گرفتن ^۶ فعل تساهل است و ریشه لاتینی آن به معنی تحمل نمودن ^۷ ، اذن دادن و باقی گذاشتن است که با مصدر حمل نمودن ^۸ یا بردن و اذن دادن در یک خانواده معنایی است (اکبری، ۱۳۸۳: ۲۴). این واژه به معنای مهربانی و نرمی و اغماض و عفو نیز آمده است. در فرهنگ دهخدا به معنی سهل‌گیری نسبت به هم و به ملاحظت برخورد کردن است (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۵۲). تساهل رابطه‌ای دوسویه اجتماعی است که یک فرد را در ابعاد ذهنی و یا عینی با فرد مقابل درگیر و با آگاهی از این نوع درگیری و مقابله، به این نتیجه رهنمون می‌سازد که همزیستی مسالمت‌آمیز و تحمل عقیده ناهمسو و سازش با آن، ضروری است. از این رو، تساهل در مقابل باورها و کردارها و رفتارهای مختلف، پیش‌فرض مردم‌سالاری و پیوسته مورد تأکید و تأیید اندیشمندان علوم سیاسی بوده است (Freitag & Rapp, 2015).
تسامح	تسامح از ریشه سمح نیز به معنای بخشش، مدارا، کوتاه آمدن و فروگذار کردن است که توأم با گذشت و بزرگواری است. بیشتر این دو واژه را مترادف هم به کار می‌برند، ولی تسامح در مقایسه با تساهل تفاوت ظریفی دارد. تسامح هرگونه سهل‌گرفتن و نرم رفتار کردن نیست، بلکه نوعی سهل‌گرفتن و آسان‌گیری است که همراه با بزرگواری و گذشت باشد (باقرزاده، ۱۳۹۱: ۵۳). تساهل سیاسی نیز در ارتباط با روش و رفتار حکومت و نشانگر آن است که حکومت در برابر مخالفان و گروه‌های رقیب، مدارا کند و آرای آنها را محترم بشمارد (فتحعلی، ۱۳۷۹: ۱۶).
منازعه سیاسی	منازعه، پس از مفاهیم خداوند و عشق، در تاریخ جلب توجه بیشتری داشته است (Rapoport, 1967). در تعریف منازعه سیاسی، افزون بر ارتباط دیالکتیکی و پیوسته

1. Tolerance
2. Tolerate
3. Tolero
4. Tote

مفهوم	تعاریف
	حوزه سیاست با مفهوم «قدرت»، منازعه سیاسی فرآیندی از تضاد منافع و خواسته طرفین نزاع (گروه‌ها، احزاب، جناح‌ها، تشکل‌های سیاسی و دولت) اعمال و تحمیل قدرت کنشگران بر یکدیگر، به حاشیه‌راندن و بیرون گذاشتن طرف مقابل نزاع از عرصه اجتماعی و سیاسی (دولت) است (خرمشاد و یقینی‌پور، ۱۳۹۶: ۱۵).
حل و فصل منازعه	شیوه‌های حل و فصل منازعه یک آموزه جاافتاده در متون و پژوهش‌های حوزه روابط بین‌الملل و پژوهش‌های راهبردی است (ربیعی و جان‌پرور، ۱۳۹۰: ۵۶). حل منازعه را باید فرآیند شناسایی ریشه‌ها و منابع عمیق منازعه‌ها و دلایل اصلی درگیری‌ها و تقابل‌ها و زمینه‌سازی برای ایجاد تحولات موردنیاز در ساختارها و علل منازعه‌ها، جهت پایان دادن به آنها دانست (Burton, 1990). در مورد حل و فصل منازعه‌های سیاسی، به فرآیند حل و فصل و رفع اختلاف‌ها و تعارض‌های ایجادشده بین نظام سیاسی (دولت) و طرفین سیاسی رقیب به روش صلح‌آمیز و مرضی‌الطرفین، حل و فصل منازعه‌های سیاسی گفته می‌شود (دلآوری، ۱۳۸۷: ۴۳).
ظرفیت سیاسی نظام	مفهوم و کلید واژه «ظرفیت دولت» به‌جای تمرکز بر رویه‌ها و فرآیندهای بیرونی و خارجی، به فرآیندها و رویه‌ها و سازوکارهای درونی دولت اشاره دارد که بر کارکردها و رویه‌های آن موثر است و میزان کارآمدی سیستم را تعیین می‌نماید (Michon, 2007). این سازوکارها اغلب در قالب نهادهای دولتی عمل می‌نمایند. از این‌رو، برخی پژوهشگران ظرفیت دولت را همان ظرفیت نهادهای تابعه دولت در عرصه‌های مختلف می‌دانند (Fearon and Laitin, 2003: 76).

منبع: نگارندگان

فرزانه‌فر (۱۳۹۲) با تعیین قلمرو اعمال تساهل، به چارچوب نظری و مفهومی آن پرداخته است؛ و با بررسی راهبرد تساهل در سیره پیامبر اسلام (ص) و در گستره جامعه اسلامی، نظریه‌ای درباره تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام را آزمون و تایید کرده است. امانی‌فر (۱۳۹۳) مفاهیمی چون مدارا، مدهانه، تجاهل، خشونت را بررسی کرده و با رویکرد جامعه‌شناختی، نظریه‌های اندیشمندان غربی را به همراه فلسفه سیاسی تساهل و تسامح، و نیز بنیان‌های فقهی آن در مکتب اسلام را تبیین و جایگاه تساهل در اسلام و مرزبندی‌ها و نمونه‌های مختلف آن را بیان کرده و به نبود تساهل و مدارا در حوزه اصول عقاید نیز اشاره کرده است. وی به برخی از اشکال‌ها و شبهه‌های ایجاد شده در حوزه تساهل و تسامح همچون مجازات اسلامی، آزادی عقیده، حقوق بشر، جهاد ابتدایی و ارتداد پاسخ داده است.

اکبری (۱۳۸۳)، همراه با تلقی تساهل و تسامح به‌عنوان یک اصل دموکراتیک در سیاست کشورهای مردم‌سالار، معیار سنجش درجه تساهل و تسامح را در قانون اساسی کشور به‌عنوان شناسنامه نظام سیاسی قلمداد کرده است. وی به حدود و جایگاه اصل تساهل و تسامح در

قانون اساسی ایران پرداخته و ضمن بررسی تاریخی آن در اسلام و سنت نبوی (ص)، به نقش پررنگ آن در نظریه امام خمینی (ره) اشاره کرده است. وجود حقوق اساسی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و آزادی عقیده و بیان، و مانند آنها را حکایت از وجود تساهل و مدارا در قانون اساسی و خط قرمز، در این اصل را تنها در مواردی همچون شرک، خلل به مبانی اسلام، نقض اصول استقلال، آزادی، قانون و وحدت ملی، و مانند آنها دانسته است. این اثر شاید نزدیک به موضوع طرح پژوهشی باشد، ولی بر نقش تساهل و مدارا در حل و فصل منازعه‌های سیاسی و ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی به صورت منسجم و محوری متمرکز نیست.

آقاجانی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر جدال‌های کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره تأسیس، تثبیت، سازندگی، اصلاحات و اصولگرایی ج.ا.ا. پرداخته است، و از دیدگاه وی مؤلفه‌های کلام سیاسی متأثر از زمینه‌های ذهنی و عینی است که در صورت‌بندی جریان‌ها و جناح‌های سیاسی-فکری ج.ا.ا. نقش اساسی داشته است. در الگوی روشی این اثر، افزوده شدن بی‌ضابطه جدال‌های کلام سیاسی موجب بی‌قاعدگی در رقابت‌های سیاسی و تعادل آن موجب کاهش بی‌قاعدگی در رقابت‌های سیاسی نظام بوده است. از این رو، راهکارهای کلامی چون پی‌جویی کلام سیاسی اعتدالی-انفکاک‌ی، تمهید مشارکت سیاسی حداکثری، تکثر سیاسی هنجارمند می‌تواند در مدیریت رقابت‌های سیاسی مؤثر باشد. این پژوهشگر به تکثر سیاسی و روح حاکم بر تساهل و مدارا توجه کرده است، ولی به نقش این اصل بر موضوع حل و فصل منازعه‌های سیاسی به صورت مدون نپرداخته، و اغلب به نقش تاریخی جدال‌های کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی در دوره‌های مختلف کشور اشاره شده است.

زنگنه و حمیدی (۱۳۹۴) رویکرد تساهل و مدارا در دو سطح داخلی و خارجی نظام سیاسی را عامل کاهش تنش داخلی و افزایش تفاهم با نظام جهانی می‌داند، و با بهره‌گیری از نظریه سیستم‌ها به واکاوی پیامدهای سیاسی تساهل و مدارا در ایران پرداخته است. گرچه در این اثر به نقش تساهل و مدارا در کاهش تنش‌های داخلی اشاره شده، ولی به سازوکارهای آن در حل و فصل منازعه‌های سیاسی که به جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی نیز مرتبط باشد، نپرداخته است، و تنها از زاویه توسعه پایدار، به اصل یاد شده توجه شده است. تمرکز برزگر و بیات (۱۳۹۵) بر سیره علی (ع) در حکومت‌داری است، و از زاویه تساهل و مدارا در زندگی سیاسی علی (ع)، به نتایجی چون تساهل در موضوع قدرت و غلبه از سر صدق و صفا، مثبت بودن تساهل و مدارا در امر فردی و شخصی و نامشروع بودن آن در امور اجتماعی و ملی، نبود تساهل و مدارا با غاصبین بیت‌المال و معاندین ناصالح و مجاز بودن تساهل و مدارا با خاطیان و مخالفان حکومت و ناراضی‌ها، و شایستگی تساهل در برابر یاران، افراد طبقه فرودست و مظلوم‌ها و ناشایستگی آن در برابر افراد ظالم و منافق سرسخت دست یافته‌اند.

۳. روش پژوهش

پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. چه سازوکارهای موثری برای حل و فصل منازعه سیاسی وجود دارد؟ ۲. چگونه می‌توان از راهبرد اثربخش تساهل و مدارا برای حل و فصل منازعه‌های سیاسی و در پی آن توسعه و ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی نظام ج.ا.ا استفاده کرد؟ در فرضیه پژوهش استدلال می‌شود که نهادینه شدن تساهل و مدارا در جامعه کنونی ایران می‌تواند در حل و فصل منازعه‌های سیاسی و مدیریت آن مؤثر واقع شود، و از این راه به ارتقای ظرفیت سیاسی و کارآمدی نظام ج.ا.ا برای رویارویی با چالش‌های اجتماعی کمک کند. با رویکردی کیفی، در انجام این پژوهش از روش فرآیند چرخه‌ای تحلیل (سارانتاکوس^۱) استفاده می‌شود، که ویژگی‌های سه‌گانه آن گردآوری داده‌ها، سازماندهی و تحلیل داده‌ها، و سپس استنتاج از داده‌ها است. با توجه به این‌که داده‌ها کیفی و موقعیتی است، در مرحله گردآوری و آماده‌سازی داده‌ها به پروسه تغییر و دستکاری، هماهنگ‌سازی و انتقال داده‌های تجمیعی و به شناسایی جنبه‌ها و ابعاد گوناگون بحث پرداخته می‌شود؛ و به گردآوری داده‌ها و مطالب در مراحل و چرخه بعدی یاری می‌رساند. این رویه در چرخه‌های بعدی نیز اتفاق می‌افتد، و باعث تبدیل اطلاعات خام و داده‌های کلی و نامنسجم، به مبنایی قابل اتکاء و استدلال برای نتیجه‌گیری نهایی می‌شود. مهمترین مراحل عبارت‌اند از: ۱. فروکاست‌گرایی^۲ (برای تجزیه و ساده کردن) داده‌ها، با تبدیل داده‌ها و اطلاعات گوناگون گردآوری شده به اجزا و عناصر ساده، که به ابهام‌زدایی از مفاهیم و آشکار شدن آنها و داده‌ها، پیام‌ها و زمینه‌های موجود در آنها منتهی می‌شود. ۲. سازمان دادن و تحلیل داده‌ها و اطلاعات از منظر سارانتاکوس (Sarantakos, 1998: 316) مبتنی بر تنظیم داده‌های گردآوری شده برپایه محورهای موضوعی معین، طبقه‌بندی براساس مفاهیم، ارائه داده‌ها به شکل‌های مختلف، تحلیل داده‌ها و محتوای آنها و روابط موجود بین عوامل است که به منزله استنتاج اولیه است؛ و تحلیل را باید محصول این سازماندهی به‌شمار آورد. ۳. تفسیر و نتیجه‌گیری با استنباط و استخراج نتایج مرتبط با موضوع، اهداف یا پرسش‌های پژوهشی و در صورت نیاز، تکرار چرخه‌ای فرآیند و مراحل چندگانه آن است که جهت تکمیل نتایج حاصل شده کاربرد دارد. این فرآیند مرحله‌ای پژوهش، تا رسیدن به مرحله اشباع استمرار دارد که در نهایت می‌تواند به تایید و حتی ویرایش و پالایش نتایج حاصله و یافته‌ها و به آزمون گذاشتن آنها بینجامد.

با بررسی پیشینه پژوهش آشکار می‌شود که اغلب آنها توصیفی-تحلیلی است، و از نظر محتوا و تمرکز موضوعی نیز، به تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام به صورت کلی اشاره

1. Sarantakos
2. Reductionism

شده است، و یا حل و فصل منازعه‌های سیاسی در چارچوب ادبیات کلی و با تمرکز بر نظریه‌های بین‌المللی بیان شده است. ارتباط این دو متغیر—تساهل/مدارا، و حل و فصل منازعه‌های سیاسی در ایران—در آنها تبیین نشده و یا گذرا مطرح شده است. این مقاله از حیث استفاده از روش فرآیند چرخه‌ای تحلیل و نیز تمرکز بر ارتباط دوسویه و تنگاتنگ تساهل/مدارا و حل و فصل منازعه‌های سیاسی برای ارتقاء ظرفیت نظام ویژگی نوآورانه دارد.

۴. چارچوب نظری

۴.۱. تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام

در منظومه فکری اسلام، برای تساهل و تسامح دو بعد معنایی ملحوظ است، نخست ماهیت ذاتی اسلام که در پیوند با تساهل و تسامح است؛ و دوم این ویژگی در کنش و رفتار یعنی وجود تساهل و تسامح، به روایت پیامبر اسلام (ص) ارجاع می‌شود که آیین و دین خود را، آیین تساهل و تسامح قلمداد می‌نماید (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۹۷). در معنایی دیگر، یعنی بروز تساهل و تسامح در افعال و رفتارها، این تجلی رفتاری، بیانگر تکثر درون مکتبی و شیوه رفتار با مذاهب و مکاتب دیگر است. از سویی دیگر، به شیوه برقراری حاکمیت دینی و کیفیت کنش رفتاری و تبلیغی پیامبر (ص) و ائمه (ع) در برابر اندیشه‌ها و ایده‌های مخالف اشاره دارد (کلینی، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

عرصه تساهل و تسامح در منظومه فکری سیاسی اسلام، در سه بعد اخلاق سیاسی، کنش (رفتار) سیاسی و عرصه تقنین و تشریح احکام دینی پدید می‌آید که بعد اول به عدالت، مهربانی، مدارا، عفو و مقوله صلح و سازش و... مربوط است که اساس ارزش‌ها و فضایل اخلاقی را به خدا برمی‌گرداند و او را مصدر اصلی قدرت سیاسی می‌شناساند، بعد دوم مربوط به کار ویژه رفتاری حکومت در زمینه مباحثی مانند پخش قدرت، مشارکت در عرصه سیاسی، اقلیت‌های دینی، گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی دارای افکار و اندیشه‌های مخالف و نیز حقوق بنیادی اجتماعی همچون آزادی‌های اندیشه، بیان و... که در مرکز ثقل توجه مکتب است. بعد سوم که مربوط به عرصه تقنین و تشریح احکام دینی است، به این ویژگی اسلام اهتمام دارد که احکام خود را با توجه به محدودیت‌های علمی و بینشی انسان‌ها، همراه با حفظ اصول و مبانی خود، مبتنی بر تساهل و تسامح وضع نموده است (سلطانی‌وش، ۱۳۹۶: ۶۷-۶۱).^۱

امام علی (ع)، اصل تکریم مقررات و سنت‌های ادیان و مکاتب دیگر را می‌پذیرد و احترام به سنت‌های نیک را که عامل وفاق و همدلی مردم گشته و توده‌های مردم را بر مبنای آن سامان

۱. آیاتی همانند «لا اکراه فی الدین»، «یرید الله بکم الیسر»، «قولا له قولا لینا»، «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن» مستندات قرآنی رواداری تلقی می‌شود (مرادی، ۱۳۹۶).

داده است مجاز می‌داند. از این رو، مشی مسالمت‌آمیز و تحمل‌پذیری مخالف و تکریم حقوق و آزادی‌های اساسی آنها را به رسمیت می‌شناسد، و همزیستی را با وجود اندیشه‌های گوناگون و گاهی مخالف تأیید می‌نماید. البته تا جایی که منجر به توطئه نشود و مخل مصالح و امنیت عمومی جامعه نباشد (زارع و روحی، ۱۳۹۵: ۱۲۹).

در سیره و رفتار پیامبر اکرم (ص) نیز مشی مداراتی حضرت مشاهده شدنی است که از جمله‌ی آنها به مدارا در مقابل اقدامات منافقانه عبدالله بن ابی و جلوگیری از برخورد شدید با او، مدارا با اقدامات فتنه‌انگیز جوان یهودی که به تحریک شائس بن قیس، در میان دو قبیله‌ی اوس و خزرج فتنه ایجاد نمود که پیامبر علی‌رغم آگاهی از منشا فتنه، برخوردی نکرد، اشاره می‌شود (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ۳۷۲) مدارا در مقابل وحشی که در جنگ احد، حضرت حمزه را به شهادت رساند که بعدها مسلمان شد و پیامبر (ص) او را بخشید یا نمونه‌ی کاملی از سیره پیامبر (ص) در بخشش سران کفر پس از واقعه فتح مکه بود که درباره آنها فرمود بروید که شما آزاد شده گانید که همگی، نشانگر فلسفه اصلی بعثت در هدایت مردم و اسلام آوردن آنها بود که به‌جای استفاده از روش انتقام، با مدارا و رأفت همراه و از عوامل اصلی توسعه‌ی مکتب اسلام شد هرچند که در کنار این سیره‌ی مداراتی، باید از قاطعیت ایشان در برخی موارد که مرتبط با منافع امت و حفظ مکتب اسلام بود، نیز یاد کرد (رزاقی موسوی، ۱۳۸۳). حدیث معروف: «بعثت بالحنیفه السهله السمجه»^۱ اشاره به سخن پیامبر (ص) به عثمان بن مظعون است که عزلت و رهبانیت دین اسلام را نفی و بر سهل بودن و رواداری دین اسلام و نبود انحراف و کجی در آن مهر تأیید می‌زند. (کلینی، ۱۳۶۷: ۵ و ۴۹۴).

۲.۴. تساهل و مدارا در فرهنگ تاریخی ایران

تساهل و مدارا، در ابتدا در رابطه با دین و مذهب کاربرد داشت، از این رو، این رویکرد را از دوران حیات سیاسی ایرانیان یعنی از هخامنشیان به بعد، می‌توان در حکومت‌های مختلف ایرانی نیز به تصویر کشید. از دیدگاه اندیشمندان، تدبیر و تساهل و تسامح دینی که در زمان هخامنشیان اتخاذ شد، این امکان را به وجود آورد که بزرگ‌ترین امپراتوری جهان را شکل دهند و دو ونیم سده آن را تثبیت و نقش تأثیرگذاری را ایفا نمایند. هخامنشیان با اعتقاد به حق آزادی نسبی فرهنگی، زبانی و زیست‌کم‌ویش آزادانه اقوام ایرانی و برخورداری آنها از همزیستی فعالانه در زمینه‌های مختلف بستر ساز یکپارچگی ملی و موجب قوت گرفتن احساس هم‌هویتی و هم‌سرنوشتی میان اقوام و طایفه‌های مختلف حول حاکمیت خود شدند. این ویژگی‌ها به‌عنوان واحد کثرت‌گرا موجب شد که اندیشمندان بزرگی همچون آرنولد

۱. برانگیخته شدم به دین پاک و راستین و با گذشت

توین‌بی^۱، سیستم و روش حکومت هخامنشیان را به عنوان نخستین سازمان ملل متحد در سطح جهانی بدانند. (قاسمی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

به دنبال توسعه تدریجی اسلام، غالب ایرانیان دین جدید را پذیرفتند، ولی تا مدت‌ها در قسمت‌های مختلف از جمله فارس، بخش قابل توجهی از مردم دین و روش اجدادی خود را حفظ کردند و ضمن تفاوت‌ها و اختلاف‌های اعتقادی دوشادوش هم‌نژادهای مسلمان‌شده خود بدون تفاوت و تمایز قابل توجهی، همزیستی مسالمت‌آمیز و فعالی در زندگی اجتماعی داشتند. در نتیجه راهبرد تساهل و تسامح، موقعیت زرتشتیان در منطقه فارس از استواری بیشتری نسبت به پیش برخوردار بود، هرچند که این سیاست را به معنی برقراری فرصت‌های برابر برای گروه‌های مذهبی، نباید لحاظ کرد. به موازات سیاست متساهلانه آل‌بویه به‌ویژه در نسل‌های اول، نمونه‌هایی نیز وجود دارد که با رویکرد تساهل و مدارا همخوانی نداشته است. (اروجی و رضایی، ۱۳۹۶: ۳)

حاکمان سلجوقی نیز با علم به اهداف تبلیغی و تربیتی، گام‌های مؤثری برداشتند و افزون بر ساخت و راه‌اندازی نظامیه‌ها، به شیعیان (امامیه) نیز اجازه ساخت و بهره‌گیری از مساجد و مدارس را دادند و به تبع آن، علمای تشیع توفیق یافتند، رسالت و وظایف تبلیغی و تربیتی را به منصفه ظهور رسانند که این امور، در سایه مشی متساهلانه حکام سلجوقی محقق شد (دلیر و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۵). در دوره منتهی به تشکیل حکومت صفویان، فضای باز و مشی تساهل دینی حکمای مغول، زمینه مناسبی برای ترویج و بسط آموزه‌های شیعی مهیا کرد. توانمندی آموزه‌های شیعه برای اداره جامعه و نبود سازوکار مناسب و ظرفیت کافی برای ادامه‌ی روند طریقت درویشان صفوی جهت اداره امورات جامعه، همگی نشانگر عجز و ناتوانی این طریقت در حکومت‌داری و ضرورت توجه به رشد فرهنگ و توانمندی‌های شیعی‌گری بود، در این باره راجر سیوری، اعتقاد دارد که مشی متساهلانه حاکمان مغول، اسلام سنی یا سستی را از جایگاه و تکیه‌گاه قدرتمند خود محروم کرد و زمینه‌ساز نضج شیعی‌گری و هر نوع اعتقاد مذهبی موردقبول مردم شد. (سیوری، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۲).

در عصر زندیه نیز سیاست حکومتی کریم‌خان بیشتر مبتنی بر شیوه‌ی تساهل و تسامح مذهبی بود و عقیده چندانی بر مسائل دینی و عرفانی نشان نمی‌داد. او تا جایی که تکثر افراد و گروه‌ها مغایر با منافع و سیاست‌های حکومتی نبود، رفتار تساهل‌آمیز داشت و دخالتی در امورات آنها نمی‌کرد که از نمونه‌های آن، در مقابل نعمت‌اللهیان بود. خدمات عمرانی کریم‌خان و اختصاص بناهایی برای رفاه حال و سکونت زائران و درویشان را نیز باید بیشتر به حساب

1. Arnold Toynbee

ایجاد سیاست رفاه عمومی گذاشت و از ربط دادن آن به دلبستگی و ارادت مذهبی و گروهی وی، خودداری نمود (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۳۶-۱۳۵).

۳.۴. تساهل و مدارا در ایران معاصر

در دوران معاصر می‌توان اثربخشی قانون اساسی مشروطیت و گرایش قانون‌مداران و قانون‌گذاران آن به غرب و امورات حقوق بشری در تساهل و تسامح قانونی در برابر اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های دینی را به‌عنوان نمونه بیان کرد (گودرزی، ۱۳۹۶: ۴۱). گرچه صرف‌نظر از نهضت مشروطه که نسخه آن پیچیده شد، دولت مرکزی قاجار توجهی به اقلیت‌ها و اقوام و تمرکززدایی نشان نمی‌داد. از دوره مشروطه به بعد و با فرجام تلخ آن، اقتدارگرایی و تمرکزگرایی دستگاه حاکم تعمیق شد، به عبارتی با وجود دگرگونی بنیادی که جنبش مشروطه در ابعاد مختلف به وجود آورد، ولی در تعمیق دموکراسی، آزادی‌های مدنی، تمرکززدایی و کثرت‌گرایی توفیق چندانی کسب نکرد (توسلی رکن‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷۱). دوره پهلوی را می‌توان دوره غربت و محاق تساهل و مدارا یاد کرد و روی این موضوع اغلب اندیشمندان اجماع دارند که دستاوردهای زیادی از دوره مشروطه، در دوره پهلوی زایل شد و از آن جسم بی‌رویی باقی ماند و محورهای اصلی سیاست‌گذاری پهلوی در مورد مفاهیم ناسیونالیستی باستان‌گرا و با توجه به سیاست‌های زبانی-قومی، یکسان‌سازی، وجه شدید تمرکزگرایی، تلقی از جامعه با ماهیت چندفرهنگی به مانند خطر و تهدید، تمرکز بر امنیت فیزیکی و حذف ناهمگونی‌ها و تلاش برای همگن‌سازی در وجوه مختلف همانند لباس، زبان، سنت و آداب و رسوم و در مجموع تمامیت ویژگی‌های فرهنگی که بر ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی در ایران تأثیر عمیقی گذاشت (توسلی رکن‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۷۲).

۴.۴. تساهل و مدارا در قانون اساسی ج.ا.ا. و منشور حقوق شهروندی

در قانون اساسی به‌طور مستقیم اشاره‌ای به مدارا نشده است، ولی مفاهیم پیوندخورده با آن وجود دارد که مشارکت پویا و گسترده همه عناصر اجتماع در فرآیند تحول و پیشرفت جامعه که در مقدمه قانون اساسی است، از آن جمله است. در اصل ۳، مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت و نیز تحکیم و گسترش برادری اسلامی و تعاون عمومی میان آحاد مردم (اصل ۱۵) بیان شده است که از مؤلفه‌های وحدت ملی می‌باشد یا اصل ۲۶ که آزادی فعالیت سیاسی احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌ها را در چارچوب وحدت ملی به رسمیت می‌شناسد (مردوخی، ۱۳۸۶: ۱۶۶). اصل ۲۳ قانون اساسی ج.ا.ا. نیز که مبین ممنوعیت تفتیش عقاید و منع تعرض و مؤاخذه به هیچ شخصی را به صرف داشتن عقیده‌ای، است می‌توان در حوزه تساهل و مدارا

در قانون اساسی به‌شمار آورد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۶۸). ماده ۲۸ منشور حقوق شهروندی نیز شهروندان را از حقوق ارزشمندی مانند حق نقد، ابراز ناراضی، دعوت به خیر، نصیحت در مورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی بهره‌مند می‌داند و دولت را مکلف به گسترش و ترویج فرهنگ انتقادپذیری، تحمل‌پذیری و مدارا می‌کند (متن منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵).

۵.۴. تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی

نخست، در اندیشه امام‌خمينی (ره) تساهل یکی از انواع مدارا است که خاستگاه آن متون دینی است و ایشان در سیره و روش نظری و عملی خود به این نوع معنا از تساهل تمرکز نموده‌اند که از نمونه‌های آن دوران مبارزه ایشان است که در مراحل ابتدایی با موعظه و تذکر مؤثر و سازنده همراه بوده و سپس مراحل بعدی را سیر کرده است. همچنین ایشان در جریان شکل‌گیری انقلاب نیز محور اصلی برای تجمع همه تشکلهای و جریانات سیاسی بودند و این امر مادامی که آنها به تقابل مسلحانه روی نیاورده بودند، برقرار بود. امام همواره بر آزادی اقلیت‌های دینی، آزادی مطبوعات، آزادی اندیشه و عقیده و ماهیت مردم‌سالارانه حکومت اسلامی تأکید می‌نمودند که در قانون اساسی که مشروعیت آن منوط به تأیید و امضای رهبری بود، این اندیشه‌ها متجلی می‌باشد. از این رو، از منظر امام که منبعث از الهیات دینی است، بعد مدارا و تساهل و رأفت مقدم بر خشونت و نبود مدارا است و مادامی که تساهل و مدارا در تقابل و مغایرت با ماهیت دینی و اساس نظام و مبانی امنیت ملی نباشد و مستمسکی برای معاندین نباشد و زمینه تسلط اجانب را فراهم نسازد، در زمره مؤکدات است (یارمحمدی، ۱۳۷۸: ۲۸۲).

دوم، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تساهل و مدارا شامل اصولی همچون هدایت‌گری و هدایت‌پذیری توأم با اختیار و بصیرت، عدالت و انصاف، تعامل توأم با مروت و رواداری، تفاوت تساهل و مدارا در اسلام با تساهل در غرب، برابری و برابر همه مردم در بهره‌مندی از حقوق طبیعی، مدنی، اجتماعی و شهروندی، حکمت، پند و تبیین حقیقت، نبود جواز تعقیب، تفتیش عقاید، فشار و شکنجه و سخت‌گیری، مرزبندی جبهه حق و باطل، مسئولیت‌پذیری حکومت، جواز گونه‌گونی و تکثر عقاید و دیدگاه‌ها در نظام اسلامی، مدارا و رواداری مهرورزانه توأم با صلابت و قاطعیت به روش پیامبر (ص) است که البته این اصول منوط به حفظ حد و آزادی دیگران و محدود نکردن آن، نبود گمراهی و اضلال، ایجاد تشنج نکردن در جامعه، حفظ اسرار مهم مملکت، تحریف نکردن واقعیت‌ها و حقایق، و نبود تعارض با حکومت اسلامی است (سلطانی‌وش و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۹-۱۰).

۵. ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تساهل و مدارا

نهادینگی فرهنگ تساهل و مدارا و پرورش شخصیت متساهل و روادار در جامعه منجر به اعتلای ارزش‌های اجتماعی همچون شهروندان معطف، تکراندیشه، توافق‌پذیر، نوع‌دوست، ارتقاء سرمایه اجتماعی و اعتماد و وظیفه‌شناسی می‌شود که با عنوان مدارای اجتماعی بحث می‌شود (Vogt, 1997) و در مقابل روان‌رنجوری است. مدارای اجتماعی را هم می‌توان به زیرشاخه‌های مدارای سیاسی، مدارای عقیدتی، مدارای رفتاری، مدارای هویتی دسته‌بندی کرد (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۲-۱۰۹) البته باید میان ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد مدارای اجتماعی کنکاش کرد و نقش متغیرهای میانجی مانند سرمایه اجتماعی، سبک‌های هویت، بهزیستی روانشناختی و مشارکت اجتماعی را لحاظ کرد (زال‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴).

رابطه مثبتی بین میانگین درآمد با ابعاد مختلف مدارا به استثنای مدارای مذهبی است یعنی افزایش سطح درآمد میانگین و متوسط شهروندان، با میزان مدارای آنها رابطه مستقیم دارد، در واقع آنچه که در ترکیب هوشمندانه مدارا-درآمد حائز اهمیت است، تنها مطلق درآمد نیست بلکه توزیع منفعت و درآمد به‌عنوان یک عامل اصلی در مناسبات اجتماعی بین شهروندان عمل کند و در نقطه مقابل تجزیه و تحلیل فرد از موقعیت خود در پروسه توزیع درآمد، به‌عنوان یک عامل در شیوه شناخت هویت خود و عملکرد رفتاری او در برابر دیگران تأثیرگذار است. (گلابی و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۰-۵۸).

۵.۱. برجسته‌ترین موانع و چالش‌های نهادینه‌شدن فرهنگ تساهل و مدارا در ایران

به‌نظر می‌رسد نابردباری اجتماعی در سطح کلان به علت نبود آموزش عمومی و همگانی در سطح میانه در قاموس سازمانها و در سطح خرد در نهاد خانواده از موانع بزرگ است که پیامدهای آن را می‌توان در خشونت‌زایی روزافزون در جامعه، بی‌توجهی افراد به هم‌نوعان، گسترش بی‌اخلاقی و از همه مهم‌تر از دست دادن سرمایه اجتماعی (اعتماد) و متزلزل شدن پیوندها و تعاملات اجتماعی و طرد اجتماعی جست (زمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۹).

یکی از عوامل نبود تساهل و مدارا و موانع اجرایی آن را باید به شکل تاریخی در چارچوب مفهوم فرهنگ سیاسی آمریت-تابعیت دانست که رویکردها و نگرش‌های حاکم بر قدرت سیاسی عامل اصلی شکل‌گیری این‌چنین ارزش‌های سیاسی و اجتماعی است و انحصار قدرت در دست حکومت مطلقه، نهادینه شدن فرهنگ تابعیت را در پی داشته است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵۸). در واقع ویژگی‌های فرهنگ سیاسی پیشا انقلاب مشتمل بر آمریت، توهم توطئه، نبود سعه صدر و تساهل، خشونت و سیاست‌گریزی و نبود اعتماد سیاسی است (رزاقی، ۱۳۷۵:

۲۱۳-۲۰۵) فرهنگ سیاسی عشیره‌ای نیز از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی ایران است که به روش حذف و ترور شخصیت در حل اختلافها تمرکز دارد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۵۷)

۶. ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای نهادینه‌سازی تساهل و مدارا

عرصه تساهل و تسامح در اندیشه سیاسی اسلام، در سه مبحث اخلاق سیاسی، رفتار سیاسی و عرصه تقنین و تشریح احکام دینی پدیدار می‌شود. حوزه اخلاق سیاسی به فضائلی همچون عدالت، مدارا، عفو، مهربانی و صلح و سازش می‌پردازد که خداوند را مبنای اصلی همه فضایل اخلاقی و مصدر وجودی قدرت سیاسی می‌داند. در حوزه رفتار و کنش سیاسی، کارکرد و عملکرد رفتاری حکومت درباره مسائل محوری مانند پخش و توزیع قدرت، مشارکت در عرصه سیاست، اقلیت‌های دینی، گروه‌های سیاسی دارای اندیشه مخالف و نیز حقوق بنیادی اجتماعی همچون آزادی بیان، آزادی اندیشه و ... است. حوزه سوم یعنی حوزه تقنین و تشریح احکام دینی نیز اشاره و به وضع احکام اسلام براساس تساهل و مدارا با توجه به محدودیت‌ها و معذورات بینشی و علمی انسان‌ها دارد. افزون بر این، با وجود رویکرد تساهل و مدارا، اصول مبنایی خود را حفظ نموده است (رجایی، ۱۳۹۹: ۲۰۶). در زیر به کارکرد دانشگاه، قوانین حقوقی، احزاب و جناح‌های سیاسی، جامعه مدنی، حوزه‌های علمیه، و نخبگان اشاره می‌شود:

دانشگاه. نقش و کارکرد دانشگاه‌ها در مهارت پروری و آموزش سیاسی دانشجویان به‌ویژه در دو عرصه رفتار و نگرش سیاسی حائز اهمیت است. دانشگاه‌ها می‌توانند با اتخاذ برنامه‌های راهبردی در آموزش دانش و مهارت سیاسی نسبت به رفع کاستی‌های موجود همچون ضعف در گرایش به مشارکت سیاسی از سوی دانشجویان و کنش آنها در نهادها و تشکلهایی که نیاز به تصمیم‌گیر و مشارکت دارند، اقدام و رویکردهای انتقادی و دموکراتیک و مطالبه‌گری را جایگزین گرایش‌های محافظه‌کارانه نمایند از این رو، تغییر و تحول در کیفیت دانشجویپروری و تعلیمات نظری به نفع راهبردها و برنامه‌های کاربردی با ماهیت مردم‌سالارانه، تساهل محورانه و تعاملی، امری ضروری است و از سویی امکان دسترسی جوانان و شهروندان به دانشگاه‌ها جهت ارائه تحصیل، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقاء و بهینه‌سازی جامعه‌پذیری سیاسی و نگرش سیاسی مثبت در جامعه شود (معین‌آبادی و سلطانی، ۱۳۹۴: ۹۰-۸۹).

قوانین حقوقی. تساهل و مدارا در قوانین حقوقی-جامعه می‌تواند عامل تحدید منازعه سیاسی شود. مجازات اسلامی از دو جنبه حق‌الله و حق‌الناس مطرح است که به قطعی بودن یا نبودن اجرا یعنی گذشت پذیر بودن تقسیم می‌شود و بزرگ جرایم در قانون مجازات قابل گذشت است و در برخی جرایم که حق‌الله مطرح است پژوهش و تفحص و تجسس برای افراد جوازی ندارد و نیز در حدود اسلامی تنها در صورت قطعیت اثبات به مرحله‌ی اجرای

حکم می‌رسد و در صورت نبود قطعیت قابلیت اجرایی ندارند و اثبات آنها نیز نیازمند پیچیدگی‌های ویژه است که نشانگر تساهل و انعطاف‌پذیری آن است، کما این که در حق الناس هم تأکید بر عفوپذیر بودن آنها از سوی شاکی است که عفو و بخشش شکات، از سوی منابع اسلامی تحسین شده است (اسداللهی، ۱۳۸۳: ۲۱). از این رو، رویکرد مهربانی و مدارا در قوانین حقوقی و در سازوکار رسیدگی‌های قضایی ضروری بوده و با روح رأفت اسلامی سازگار است.

احزاب و جناح‌های سیاسی. وجود احزاب سیاسی با کارکرد جامعه‌شناختی و اصولی آن یکی از عوامل مهم نهادینگی تساهل و مدارا است که در جامعه ایرانی و زندگی سیاسی آن بنیه مطلوبی ندارد. در واقع یکی از عوامل جا نیفتادن فرهنگ حزبی، نا مدارایی سیاسی است که در فرهنگ سیاسی-تاریخی ایرانیان وجود دارد و موجب شده که فرهنگ رواداری که کمک‌حال تحقق قانون، مشارکت‌انگیزی مردم به گفت‌وگو و تعامل منطقی و فضای عقلانی در جامعه است، شکل نگیرد که خود عامل دوری از واقع‌اندیشی و قضاوت درست در مسائل است و منجر به تحمل‌ناپذیری و فرهنگ تقابل می‌شود (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۱۸).

جامعه مدنی. تثبیت و تقویت فرهنگ تساهل و مدارا در جامعه مدنی و در درون مرزها و از سوی آحاد ملت در برابر هم و نیز از سوی دولت در برابر مردم و دولت‌ها و ملل در مقابل همدیگر می‌تواند زمینه‌ساز حذف یا کاهش خشونت‌های سیاسی و اجتماعی از جمله نسل‌کشی‌ها، تقابل قومیت‌ها، بنیادگرایی رادیکال، و خودمحوری‌ها باشد. در جامعه‌ای که بر مبنای استراتژی و فرهنگ تساهل و مدارا سیر می‌کند، مقدمات مردم‌سالاری که در آن دو محور مهم آزادی بیان و مراعات حقوق قانونی اقلیت‌ها حائز اهمیت است، فراهم می‌شود (امینی، ۱۳۷۶: ۴۰).

حوزه‌های علمیه. جایگاه مهم حوزه‌های علمیه در شناسایی ریشه‌های اصلی مشکلات اخلاقی در جامعه تردیدناپذیر است. ترویج اخلاق خدمت و مدارا با مردم در حوزه‌های علمیه از جهات مختلف می‌تواند در گسترش و ارتقاء باورهای دینی و تعالی جامعه مؤثر باشد که ابتدا باید در میان طلاب نهادینه شود. در همین راستا باید محوریت ارائه مسائل اخلاقی در مدارس علمیه بر ریشه‌های اصلی مشکلات اخلاقی جامعه قرار داده شود و سخنرانی‌های هدفمند و جهت‌دار به منظور ترویج گفتمان‌های اخلاقی موردنیاز صورت گیرد (خبرگزاری حوزه علمیه خراسان، ۱۳۹۶).

نخبگان. بر اساس تجارب و پژوهش‌های تاریخی می‌توان به سهولت، تحول در جامعه را مرتبط با نقش و جایگاه نخبگان راستی‌آزمایی کرد و اندیشه و جایگاه فکری نخبگان را در تحقق و اجرای برنامه‌های کلان سیاسی-اجتماعی و توسعه‌ی جامعه مدنی و شیوه تحقق و

شکوفایی مطالبات مردم تایید کرد که از این حیث می‌توان به ردپای فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در توسعه‌نیافتگی تشکل‌های مدنی و دولت‌های پسا انقلاب پی برد (خسروی و شهبازی‌فرد، ۱۳۹۵: ۱۸۹). نبود انسجام فکری در بین نخبگان سیاسی از ویژگی‌های مهم نبود ثبات سیاسی یا از عوامل زوال آن است که از دلایل منجر به بی‌ثباتی به واسطه نبود انسجام فکری نخبگان می‌توان به نبود ایجاد یک مکتب شناسنامه‌دار فکری، محدودیت‌سازوکارهای منجر به مدیریت حل‌وفصل تعارض‌ها و منازعه‌ها در بین نخبگان، نبود توجه کافی به منافع ملی در میان برخی از نخبگان و عدم وجود فرهنگ تحمل‌پذیری و رقابت صلح‌آمیز بین نخبگان اشاره نمود (جلالی و غلامی، ۱۳۸۹: ۲۲۴). از این رو، تغییر رویکردهای ذهنی، رفتاری و اجتماعی نخبگان سیاسی و انسجام فکری و تعامل تنگاتنگ آنها در عرصه‌های تصمیم‌گیری و حل‌وفصل منازعه‌های سیاسی و تعارض‌های اجتماعی با اصول گفت‌وگو و مذاکره و تقدم منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی و جناحی در بین آنها را می‌توان گام اساسی در مسیر تسری فرهنگ تساهل و مدارا و تحمل‌پذیری به جامعه و تحدید منازعه‌های سیاسی و ارتقاء ظرفیت سیاسی نظام قلمداد نمود.

۷. نتیجه

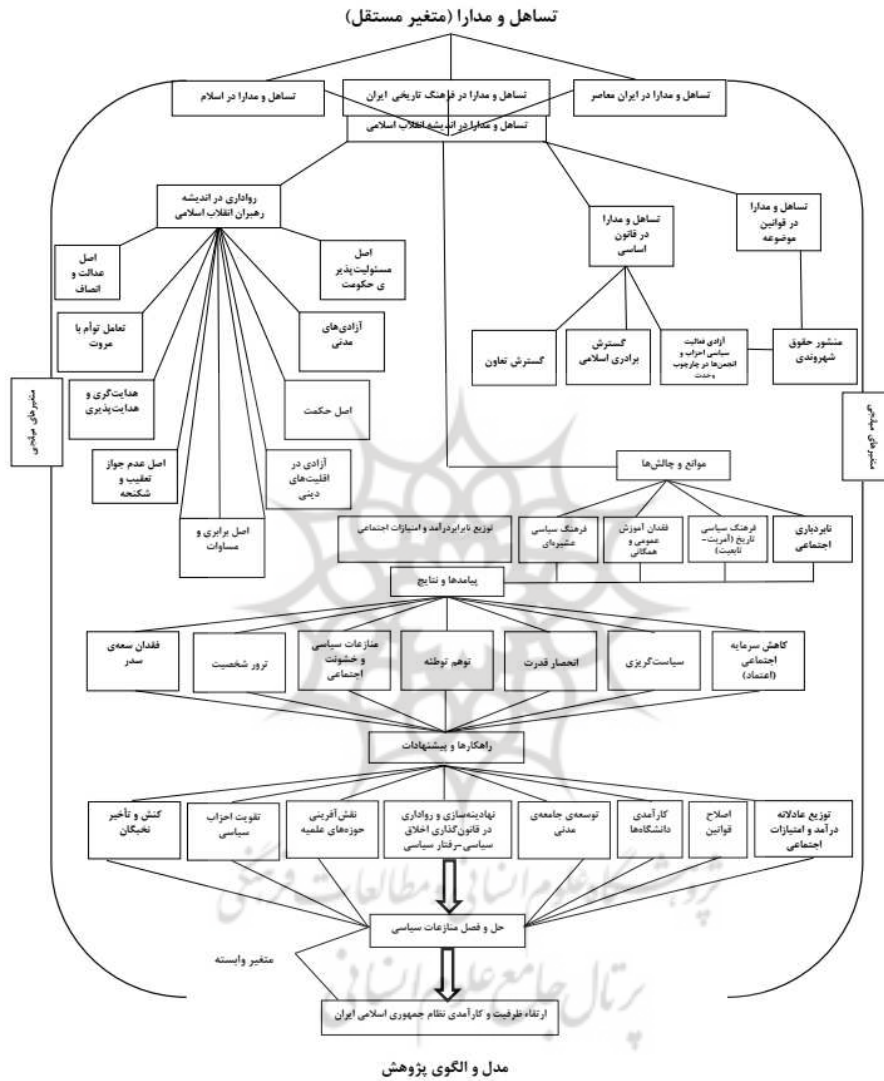
در این پژوهش به نقش و جایگاه تساهل و مدارا (متغیر مستقل) در حل‌وفصل منازعه‌های سیاسی و ارتقاء ظرفیت نظام ج.ا.ا (متغیر وابسته) پرداخته شده است. مقتضیات جوامع عصر کنونی که آمیخته با تاروپود مردم‌سالاری و توسعه سیاسی و یا مطالبه‌گر این دو فضیلت سیاسی است، با اتخاذ رویکرد مهربانی و مدارا از سوی حکومت و نهادینه کردن آن در جامعه مدنی و در لایه‌های مختلف اجتماعی و متجلی نمودن آن در روح قوانین اساسی و عادی، امکان‌پذیر است. نظام ج.ا.ا که برخاسته از رأی اکثریت مردم است، نیز مستثنی از این قاعده نیست که بایستی با اولویت دادن به راهبرد تساهل و مدارا در مجاری و کانال‌های ارتباطی خود با جامعه، همچون سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها، تصویب بودجه، توسعه مشارکت سیاسی و ... به این امر مبادرت نماید، چرا که ج.ا.ا نظامی برآمده از اصول اسلامی است. در همین راستا، در مقاله به مفهوم‌شناسی تساهل و مدارا، منازعه سیاسی، حل‌وفصل منازعه سیاسی، ظرفیت نظام سیاسی و تعریف علمی هر یک از این مفاهیم و سازوکارهای مرتبط پرداخته شد. این امر مورد بحث قرار گرفت که در ارتباط راهبرد تساهل و مدارا با حل‌وفصل منازعه‌های سیاسی و ارتقاء ظرفیت نظام، پژوهش‌هایی علمی یا انجام نشده و یا به صورت نامنجم در لایه‌های برخی مقالات پرداخته شده است که قادر به بررسی روابط درونی این متغیرها و تولید یک نظریه علمی نبوده است. از این رو، نوآوری مقاله این است که تمرکز و مرکز ثقل پژوهش

را به بررسی تأثیر سیاست تساهل و مدارا بر حل و فصل منازعه سیاسی و ارتقاء ظرفیت نظام و شناسایی روابط درونی این دو متغیر قرار داده است. با بررسی اجمالی سیاست‌های اعلامی و اعمالی ج.ا.ا در عرصه قانون‌گذاری و اجرا، به میزان‌سنجی تحقق این رویکرد در حوزه حل و فصل منازعه سیاسی و ارتقاء ظرفیت و کارآمد نظام سیاسی نیز پرداخته شده است.

در ادامه به برجسته‌ترین موانع و چالش‌های نهادینگی فرهنگ تساهل و مدارا در ایران پرداختیم. از علل غلبه نابردباری اجتماعی بر رویکرد تساهل و مدارا در عرصه حاکمیت و جامعه در ایران در سطح کلان در مؤلفه‌هایی همچون نبود آموزش عمومی و همگانی در سطح میانه در قاموس سازمان‌ها و در سطح خرد در چارچوب نهاد خانواده دانسته شده است که از جمله نتایج و پیامدهای منفی آن می‌توان به خشونت‌زایی اجتماعی، بی‌توجهی به هم‌نوعان، گسترش بی‌اخلاقی در اجتماع و از همه مهم‌تر از دست دادن یا کاهش سرمایه اجتماعی (اعتماد) و متزلزل شدن پیوندها و تعاملات اجتماعی و طرد اجتماعی اشاره نمود، که خود متأثر از فرآیند تاریخی شکل‌گرفته در فرهنگ سیاسی تاریخی ایران یعنی فرهنگ آمریت-تابعیت است و مقتضیات حاکم بر آن با روح تساهل و مدارا ناسازگار است، و یکی از اهداف اعلامی ج.ا.ا تغییر این پارادایم است.

در پایان به راهکارها و پیشنهادهایی برای نهادینگی رویکرد تساهل و مدارا در جامعه ایران پرداخته شده است. از نظر نگارندگان، تحقق این امر بستگی به کارکرد و نقش راهبردی پنج نهاد تأثیرگذار دربرگیرنده دانشگاه، قوانین حقوقی (نهاد قانون‌گذاری)، احزاب و جناح‌های سیاسی، جامعه مدنی و حوزه‌های علمیه دارد. این نهادها می‌توانند با تقویت و کارآمدسازی سیاست‌گذاری‌ها در جهت و تعمیق آموزش‌های شهروندی، ترویج اخلاق خدمت و رفتار مداراتی در زندگی فردی و سیاسی و اجتماعی، تقدم منافع ملی بر منافع جناحی و گروهی، به‌روزرسانی قوانین سازگار با مقتضیات جامعه، تقویت فرهنگ مطالبه‌گری و پاسخ‌گویی و الزام‌سازی دولت‌ها برای حمایت از این‌گونه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی-اجتماعی، به کارآمدی دولت بسیار کمک کنند. مدیریت منازعه‌های سیاسی و حل و فصل آنها را با کمترین هزینه و بیشترین بازدهی، زمینه‌ساز ثبات سیاسی و ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی در جذب نیروهای اجتماعی و پاسخ‌گویی مطلوب به مطالبات اجتماعی و در نهایت حفظ نقطه تعادل نظام و تعمیق مقبولیت و مشروعیت آن خواهد بود.

نمودار ۱. الگوی پژوهش؛ عوامل تاثیرگذار و پیامدهای تساهل و مدارا و رابطه آنها با حل و فصل منازعه‌های سیاسی در ایران



منبع: نگارندگان

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف (فارسی

۱. آقاجانی، علی. (۱۳۹۵) «تأثیر مناقشات کلام سیاسی بر رقابت‌های سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهکارهای مدیریت مناقشات»، رساله دکترا، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۲. ابن‌هشام، عبدالملک. (۱۳۷۵ ق) سیره ابن‌هشام. مصر: شرکه مکتبه و مطبعه، مصطفی‌البابی‌الحلبی و اولاده، تحقیق، مصطفی سقا و همکاران، ج ۲، چ ۲.
۳. اروچی، فاطمه؛ محمد رضایی. (۱۳۹۶، فروردین) «زمینه‌های همگرایی در مناسبات مسلمانان و زرتشتیان در منطقه فارس»، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۸، ۱۴: ۲۸-۱. در: https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/article_7014.html
۴. اسداللهی، طاهره. (۱۳۸۳، دی) «جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی، اجتماعی اسلام»، فصلنامه قیسات، ۹، ۳۲: ۱۲۱-۱۴۶. در: http://qabasat.iict.ac.ir/article_17299.html
۵. اکبری، مهدی. (۱۳۸۳) «تساهل و تسامح در نظام ج.ا.ا با تأکید بر قانون اساسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
۶. امانی‌فر، حیدر. (۱۳۹۳) مرزها و مبانی فقهی و کلامی تساهل و تسامح و قاطعیت در اسلام. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چ ۳.
۷. امینی، علی‌اکبر. (۱۳۷۶) «تساهل و جامعه مدنی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۲۴-۱۲۳: ۴۱-۳۴. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20101210123726-726.pdf>
۸. «آیه ۲۵ سوره حدید، برپایی عدل و قسط را از اهداف بعثت پیامبران می‌داند»، (۱۳۸۹، ۱۶ تیر) خبرگزاری بین‌المللی قرآن، کد خبر ۱۹۵۳۱۸۸. در: <https://markazi.iqna.ir/fa/news/1953188/>
۹. باقرزاده، معصومه. (۱۳۹۱) «بررسی مبانی و مصادیق تساهل و تسامح در حقوق اسلام با رویکرد بر نظر امام خمینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام خمینی.
۱۰. برزگر، ابراهیم؛ مصطفی بیات. (۱۳۹۵، بهار) «حاکمیت و سیاست داخلی در سیره امیرالمومنین علی (ع) (نمونه موردی تساهل و مدارا)»، مجله تاریخ، ۱۱، ۴۰: ۵۱-۲۹. در: https://jh.mahallat.iau.ir/article_540103.html
۱۱. بشیریه، حسین. (۱۳۹۰) «پیش‌درآمدی بر تاریخ اندیشه تساهل سیاسی»، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۷، ۲۶: ۱۵۲-۱۱۹. در: https://journals.ut.ac.ir/article_15654_8866bc896584dfc4f79887ccab151d77.pdf
۱۲. ———. (۱۳۸۰) آموزش دانش سیاسی. تهران: موسسه تهران معاصر.
۱۳. توسلی رکن‌آبادی، مجید و دیگران. (۱۳۹۸، خرداد) «مدارای سیاسی-اجتماعی در ایران معاصر، چشم‌انداز نظری به آسیب‌شناسی مفهومی و انضمامی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۶، ۹۷: ۳۸۰-۳۵۷. در: https://nashr.majles.ir/article_307.html
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۲) مکاتب حقوق در اسلام. تهران: گنج دانش، چ ۳.

۱۵. جلالی، رضا؛ مهدی غلامی، (۱۳۸۹، آذر) «انسجام فکری نخبگان سیاسی درون حاکمیت و شکل‌گیری ثبات در نظام سیاسی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۳، ۱۲: ۱۹۹-۲۲۸. در: https://prb.ctb.iau.ir/article_524299.html
۱۶. خرمشاد، محمدباقر؛ مصطفی یقینی‌پور. (۱۳۹۶، پاییز) «منازعه سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)»، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۱۰، ۳۶: ۳۸-۵. https://ps.ihu.ac.ir/article_203681.html
۱۷. خسروی، محمدعلی؛ شهره شهسواری‌فرد. (۱۳۹۵، زمستان) «فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و کارآمد سازمان‌های غیردولتی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۲، ۸: ۱۸۹-۲۲۹. <DOI:10.22054/tssq.2017.7203>
۱۸. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۸۷) *اصول کافی*، ترجمه احمد باپور. قم: راز توکل.
۱۹. ———. (۱۳۶۷) *فروع کافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۸۷، پاییز) «درآمد نظری به حل‌وفصل منازعات سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، ۳۸، ۳: ۴۱-۶۹. در: https://jppq.ut.ac.ir/article_27328.html
۲۱. دلیر، نیره؛ و دیگران. (۱۳۹۶) «نمودهای اجتماعی تساهل در دوره سلجوقیان»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، ۷، ۲: ۶۹-۹۰. <DOI:10.30465/shc.2018.2945>
۲۲. ربیعی، حسین؛ محسن جانپور. (۱۳۹۰، بهمن) «بازنمایی مدل تحلیلی برای حل‌وفصل اختلاف‌ها و منازعات سرزمینی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۴، ۵۴: ۵۵-۸۸. در: http://quarterly.risstudies.org/article_1295.html
۲۳. رجایی، رثوف. (۱۳۹۹) «حل‌وفصل منازعات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر تشکله‌ها و جناح‌های سیاسی: بررسی مدل‌های موجود و ارائه مدل مطلوب»، رساله دکترا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ایران.
۲۴. رجبی، پرویز. (۱۳۹۰) *کریم‌خان زند و زمان او*. تهران: سیمرغ، ج ۶
۲۵. رزاقی موسوی، سیدقاسم. (۱۳۸۳) «مدارا با مخالف و مبارزه با معاند در سیره نبوی (ص)»، *معرفت*، ۱۳، ۸۶: ۱۵-۱. در: <https://marifat.nashriyat.ir/node/1960>
۲۶. رزاقی، سهراب. (۱۳۷۵، تیر) «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، *فصلنامه نقد و نظر*، ۲، ۸-۷: ۲۱۳-۲۰۰. <DOI:10.22081/jpt.1996.22843>
۲۷. زنگنه، پیمان؛ سمیه حمیدی. (۱۳۹۴، بهار) «واکاوی اثرات سیاست تساهل و مدارا بر فرآیند توسعه پایدار در ایران»، *نشریه خط اول (رهیافت انقلاب اسلامی)*، ۳۰: ۱۱۹-۱۳۸. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1196669>
۲۸. زارع، حسین؛ رحمت‌الله روحی. (۱۳۹۵، مهر) «حقوق اقلیت‌های دینی در نهج‌البلاغه»، *سراج منیر*، ۷، ۲۴: ۱۳۴-۱۰۵. <DOI:10.22054/ajsm.2016.8091>
۲۹. زالی‌زاده، محسن و دیگران. (۱۳۹۴، دی) «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، *مجله جامعه‌شناختی کاربردی*، ۲۶، ۴: ۱۴۹-۱۶۴. در: https://jas.ui.ac.ir/article_18423.html
۳۰. زمانی، طوبی و دیگران. (۱۳۹۹، تابستان) «تفسیر نابرداری اجتماعی از منظر نخبگان دانشگاهی و ارائه مدل نظری»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹، ۲: ۳۹۳-۴۲۱. <DOI: 10.22059/jisr.2020.294979.996>

۳۱. زیباکلام، صادق؛ مرتضی مقتدایی (۱۳۹۳)، زمستان) «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۰، ۲۹: ۲۸-۷. در: https://psq.karaj.iau.ir/article_523751.html
۳۲. «سخنان مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر»، اخلاق خدمت و مدارا با مردم تقویت شود»، (۱۳۹۶، ۴ خرداد) خبرگزاری حوزه علمیه خراسان، کد خبر ۱۷۰۴۰. در: <https://www.hawzahnews.com>
۳۳. سراج‌زاده، سید حسین؛ و دیگران (۱۳۸۳) «بررسی رابطه میزان و انواع دینداری مدارای اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱، ۴: ۱۴۲-۱۰۹، <DOI:10.22067/jss.v0i0.3092>.
۳۴. سریع‌العلم، محمود. (۱۳۸۶) فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۵. سلطانی‌وش، علی. (۱۳۹۶) «رواداری در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳۶. سلطانی‌وش، علی؛ مجتبی زارعی. (۱۳۹۸) «جایگاه تساهل و تسامح در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۳، ۱: ۴۱-۶۴. در: <https://www.sid.ir/paper/237066>
۳۷. سیونگ‌یو، دال. (۱۳۸۱) فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، مطالعه تطبیقی ایران و کره جنوبی. تهران: خانه سبز.
۳۸. سیوری، راجر. (۱۳۸۸) ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ج ۱۸.
۳۹. فتحعلی، محمود. (۱۳۷۹) تساهل و تسامح اخلاقی، دینی، سیاسی. قم: موسسه فرهنگی طه.
۴۰. فکوهی، ناصر. (۱۳۹۰) خشونت سیاسی، نظریات، مباحث، اشکال و راهکارها. تهران: پیام امروز، ج ۳.
۴۱. فرزانه‌فر، حسین. (۱۳۹۲) تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام. تهران: صنم، ج ۳.
۴۲. قاسمی، علی‌اصغر؛ غلامرضا ابراهیم‌آبادی. (۱۳۹۰، شهریور) «نسبت هویت ملی و وحدت ملی در ایران»، فصلنامه راهبرد، ۲۰، ۵۹: ۱۳۸-۱۰۷. در: http://rahbord.csr.ir/article_124412.html
۴۳. گلابی، فاطمه؛ و دیگران. (۱۴۰۰، پاییز و زمستان) «بررسی رابطه سرمایه اقتصادی با سازه مدارا در بین شهروندان شهر مشهد»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۰، ۲: ۶۴-۲۷، DOI: > 10.22034/jeds.2021.40331.1420
۴۴. گودرزی، پروانه. (۱۳۹۶، زمستان) «روند قانونی شدن تساهل و تسامح نسبت به اقلیت‌های دینی در ایران پس از مشروطه تا زوی کارآمدن رضاشاه»، فصلنامه تاریخ‌روایی، ۲، ۷: ۵۹-۴۱. در: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/88208/55/text>
۴۵. «متن منشور حقوق شهروندی»، (۱۳۹۵، ۲۹ آذر) پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری. در: <https://president.ir/fa/96859>
۴۶. مرادی، علی‌اصغر. (۱۳۹۶، ۳۰ فروردین) «تساهل و تسامح در اندیشه حکومتی امام»، پرتال امام‌خیمینی، کد مطلب ۱۴۸۳۷۶. در: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n120462>
۴۷. مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. در: https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution
۴۸. مردوخ، یایزید. (۱۳۸۶) «نقش نهادهای نظام تدبیر در اتحاد ملی در ایران»، مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملی: راهبردها و سیاست‌ها. تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۴۹. معین‌آبادی، حسین؛ اصغر سلطانی. (۱۳۹۴، اسفند) «بررسی نقش دانشگاه در بهبود مؤلفه‌های آموزشی سیاسی دانشجویان، مطالعه موردی، دانشگاه شهید باهنر کرمان»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱، ۱: ۹۴-۶۷. در: http://www.ipsajournal.ir/article_281.html
۵۰. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۵) میزان/الحکم. قم: دارالحدیث.
۵۱. یارمحمدی، محمد. (۱۳۸۷) «تساهل و تسامح در سیره عملی امام خمینی (ره)»، چکیده مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی. در: http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_129707

(ب) انگلیسی

52. Burton, John. (1990) *Conflict: Resoluton and Prevention*. New York: St. Martin's Press.
53. Fearon, James D.; and David D. Laitin. (2003, February) "Ethnicity, Insurgency, and Civil War," *American Political Sicence Review* 97, 1: 75-80, <DOI:10.1017/S0003055403000534>.
54. Freitag, Markus; and Carolin Rapp. (2015) "The Personal Foundations of Political Tolerance towards Immigrants," *Journal of Ethnic and Migration Studies* 41, 3: 351-373, <DOI:10.1080/1369183X.2014.924847>.
55. Hutchison, Marc L. (2014) "Tolerating Threat? The Independent Effects of Civil Conflict on Domestic Political Tolerance?" *Journal of Conflict Resoulution* 58, 5: 796-824, <DOI:10.1177/0022002713478566>.
56. Michon, Cyrille. (2007) "Opium, Virtus Dormitiva," in Max Kistler and Bruno Gnassounou, eds. *Dispositions and Causal Powers*. Burington, VT: Ashgate.
57. Rapoport, Anatol. (1967) *Fight, Games and Debates*. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
58. Sarantako, Sitirios. (1998) *Social Research*. Hampshire and London: MacMillan Press, 2nd ed.
59. Tsang, Stephanie Jean. (2014) "Examining the Impact of News Attention and Education on Political Tolerance in Hong Kong," *Chinese Journal of Communication* 6, 3: 286-304, <DOI:10.1080/17544750.2013.789427>.
60. Vogt, Paul W. (1997) *Tolerance and Education: Learninig to Live with Diversity and Difference*. Thousand Oaks, CA: Sage.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Research Paper

The Role of Tolerance in Political Conflict Resolution and Capacity-Building in the Islamic Republic of Iran

Mohammad Jafar Javadi Arjmand^{1*}, Raof Rajayi²

¹ Associate Professor of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² PhD in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 15 September 2019, Accepted: 12 September 2022
© University of Tehran

Abstract

Political conflict in the Islamic Republic of Iran (IRI) should be viewed as a complex and destructive type of social conflicts, which are one of the strategic obstacles to political development. Furthermore, these conflicts contribute to instability, reduce the threshold of tolerance of the political system, threaten national interests, and finally create systemic imbalance leading to the escalation of crises in the country. The research questions are as follows: 1. What are the effective mechanisms for resolving political conflicts? 2. How can the strategy of tolerance be effectively used to resolve political conflicts in order to develop and improve the capacity of the IRI's political system? With the use of Sarantakos's cyclical process of analysis and a qualitative approach, the authors try to find reasonable answers to these questions, and test a hypothesis in which it is postulated that the institutionalization of tolerance in Iranian society today can be effective in managing and resolving political conflicts, and consequently help the decision-makers to improve political capacity and efficiency of the IRI's political system to confront social challenges.

The authors argue that tolerance and forbearance can be traced back to different historical periods from the Achaemenid rule onwards, and were often used in connection with religion. The constructive approach to tolerance helped the Achaemenian Empire to become one of the greatest empires in the world. In the contemporary era, the Iranian constitution adopted after the Constitutional Revolution as a key legal instrument—in addition to the attitude of the legislators towards the West and human rights issues— influenced moderation and tolerance towards religious minorities. In the Islamic Republic of Iran's Constitution and the Charter of Citizen Rights, there are no direct reference to tolerance, but there are certain

* Corresponding Author Email: mjjavadi@ut.ac.ir

concepts, which are linked to tolerance. For instance, a number of articles specify the dynamic and extensive participation and involvement of all individuals in Iranian society in the process of development within the framework of national unity. The importance of tolerance in the political thoughts of the key leaders of the Islamic revolution are also examined. Since their viewpoints are based on Islam and religious theology, they largely advocate tolerance as long as it is not in conflict with the religious nature of Iran's political system and national security. They have cautioned that this principle should not provide the basis for the intervention of the enemies and foreign domination. The most serious obstacles and challenges of institutionalizing the culture of tolerance in Iran as well as the role of universities, laws, political parties, civil society, seminaries, and elite are also discussed. The findings of the research have been presented in the form of a proposed model that confirms the positive and effective role of the policy of tolerance as one of the principles of good governance in resolving political conflicts and dealing with the existing vulnerabilities in Iran's political system.

Keywords: Capacity-Building, Dispute Settlement, Iran's Political System, Political Conflicts, Tolerance

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0001-5671-1723>

References

- Aghajani, Ali. (2016) "Tasir-e monāgheshāt-e kalām-e siāsi bar reghābat'hā-ye siāsi-ye jomhourī-e eslāmī-'i Īrān (The Impact of Political Speech Disputes on I.R. Iran's Political Competitions and Proposing Conflict Management Solutions)," *A PhD Dissertation*, Bagher'al-oloom University (AS), Qum, Iran. [in Persian]
- Akbari, Mehdi. (2004) "Tasāhol va tasāmoh dar nezām-e Jomhourī-e Eslāmī-'i Īrān bā takid bar ghānoon-e asāsi (Tolerance and Forbearance in the Islamic Republic of Iran System with an Emphasis on the Constitution)," *A Master's Thesis*, Bagher'al-oloom University (AS), Qum, Iran. [in Persian]
- Amanifar, Haidar. (2014) *Marz'hā va mabāni-ye fegghi va kalāmi-ye tasāhol va tasāmoh va ghāteiyat dar eslām (Borders and Jurisprudential and Theological Foundations of Tolerance and Determination in Islam)*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyeh, 3rd ed. [in Persian]
- Amini, Ali Akbar. (1997) "Tasāhol va jāme'eh -ye madani (Tolerance and Civil Society)," *Ettelāat-e siāsi va eghtesādi (Political and Economic*

- Information*), 123-124: 34-41. Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20101210123726-726.pdf> (Accessed 8 June 2020). [in Persian]
- Assadollahi, Tahereh. (2004, January) "Jāyegāh-e tasāhol va tasāmoh dar ghavānin-e hoghoghi, ejtemā'i eslām (The Position of Tolerance in Islamic Legal and Social Law)," *Qabasat (Qabasat: A Quarterly Journal on Philosophy of Religion)* 9, 32: 121-146. Available at: http://qabasat.iict.ac.ir/article_17299.html (Accessed 8 June 2020). [in Persian]
- "Ayeh-e 25 soreh-ye hadid, barpāi-ye adl va ghasht rā az ahdāf-e besat-e payāambarān midānad (Verse 25 of Surah Hadid Considers the Establishment of Justice as One of the Goals of the Prophetic Mission)," (2010, July 7) *International Quran News Agency*, No. 1953188. Available at: <https://markazi.iqna.ir/fa/news/1953188> (Accessed 16 October 2020). [in Persian]
- Bagherzadeh, Masoumeh. (2012) "Baressi-ye mabāni va masādigh-e tasāhol va tasāmoh dar hoghogh-e eslām bā roykard bar nazar-e Imām Khomeini (Investigation of the Foundations and Examples of Tolerance and Forbearance in Islamic Law with the Approach of Imam Khomeini's Viewpoint)," *Master's Thesis*, Imam Khomeini University, Qazvin, Iran. [in Persian]
- Barzegar, Ebrahim; and Mostafa Bayat. (2016, April) "Hākemiyat va siyāsāt-e dākheli dar seireh-ye amiralmomenin Ali (Sovereignty and Domestic Politics in the Biography of Amir al-Mominin Ali (AS), A Case Study of Tolerance and Forbearance)," *Tārikh (History)* 11, 40: 29-51. Available at: https://jh.mahallat.iau.ir/article_540103.html (Accessed 10 June 2020). [in Persian]
- Bashiriyeh, Hossein. (2011) "Pish' darāmādi bar Tārikh-e andishe-ye tasāhol-e siāsi (An Introduction to the History of the Idea of Political Tolerance)," *Majaleh'i dāneshkadeh'i hoghogh va oloom-e siyāsī (The Journal of the Faculty of Law and Political Science)* 7, 26: 119-152. Available at: https://journals.ut.ac.ir/article_15654_8866bc896584dfc4f79887ccab151d77.pdf (Accessed 16 October 2020). [in Persian]
- . (2001) *Āmozhesh-e danesh-e siyāsī (Teaching Political Knowledge)*. Tehran: Contemporary Tehran Institute. [in Persian]
- Burton, John. (1990) *Conflict: Resolution and Prevention*. New York: St. Martin's Press.
- Dalir, Nayereh, et al. (2018) "Nemod'hā-ye ejtemā'i tasāhol dar doreh-ye saljoghīān (The Appearances of Social Tolerance in Seljuk Period: Explaining the Approaches of Seljuk Rulers to Ja'fari Shiites)," *Tahqiqāt-e tārikh-e ejtemā'i (Social History Studies)* 7, 2: 69-90, <DOI:10.30465/shc.2018.2945>. [in Persian]
- Delavari, Abolfazl. (2008) "Darāmādi Nazari bar hal-e monāze'āt-e siāsi (Theoretical Introduction to Conflict Resolution)," *Faslnāme-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 38, 3: 41-69. Available at: https://jppq.ut.ac.ir/article_27328.html?lang=en (Accessed 23 July 2020). [in Persian]

- Fakohi, Nasser. (2011) *Khoshonat-e siāsi, nazari'yāt, mabāhes, eshkāl va rāh'kār'hā (Political Violence, Ideas, Topics, Forms and Solutions)*. Tehran: Payam-e emroz, 3rd ed. [in Persian]
- Farzanehfar, Hossein. (2013) *Tasāmoh va modārā dar andishe-ye siāsi (Tolerance in Islamic Political Thought)*. Tehran: Sanam, 3rd ed. [in Persian]
- Fathali, Mahmood. (2000) *Tasāhol va tasāmoh-e akhlāghi, dini, siāsi (Moral, Religious, Political Tolerance)*. Qom: Taha Cultural Institute. [in Persian]
- Fearon, James D.; and David D. Laitin. (2003, February) "Ethnicity, Insurgency, and Civil War," *American Political Science Review* 97, 1: 75-80, <DOI:10.1017/S0003055403000534>.
- Freitag, Markus; and Carolin Rapp. (2015) "The Personal Foundations of Political Tolerance towards Immigrants," *Journal of Ethnic and Migration Studies* 41, 3: 351-373, <DOI:10.1080/1369183X.2014.924847>.
- Godarzi, Parvaneh. (2017) "Ravand-e ghānoni'shodan-e tasāhol va tasāmoh nesbat be aghaliyat'hā-ye dini dar Irān pas az mashroteh tā roy-e kār āmādan-e reza shah (The Process of Legalization of Tolerance and Forbearance towards Religious Minorities in Iran from the Constitutional Revolution to Reza Shah's Reign)," *Tārikh-e ravāi (Narrative History)* 2, 7: 41-59. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/88208/55/text> (Accessed 16 October 2020). [in Persian]
- Golabi, Fatemeh, et al. (2021) "Baresi-ye rāvabeh-e sarmāyeh-ye eghtesādi bā sāzeh-ye modārā dar bein-e shahrvand'ān-e shahr-e mashhad (Investigating the Relationship between Economic Capital and Structure of Tolerance among the Citizens of Mashhad)," *Fasl'nāme-ye jāme'eh'shenākhti-ye eghtesādi va tose' (Journal of Economic & Developmental Sociology)* 10, 2: 27-64, <DOI: 10.22034/jeds.2021.40331.1420>. [in Persian]
- Hutchison, Marc L. (2014) "Tolerating Threat? The Independent Effects of Civil Conflict on Domestic Political Tolerance?" *Journal of Conflict Resolution* 58, 5: 796-824, <DOI:10.1177/0022002713478566>.
- Ibn Hisham, Abdolmalk. (1375) *Seerah Ibn Hisham*, res. Mostafa, et al. Egypt: Maktabe va Matbbe Mostafa Albabei va Oladeh Co, Vol. 2, 2nd ed. [in Arabic]
- Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (1989) *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*. Available at: https://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution (Accessed 14 June 2020). [in Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar. (2013) *Makāteb-e hoghogh dar eslām (Schools of Law in Islam)*. Tehran: Ganj Danesh, 3rd ed. [in Persian]
- Jalali, Reza; and Mehdi Gholami. (2010, November) "Ensejām-e fekri-ye nokhbegān-e siāsi daroon-e hākemiyat va shekl'giri-ye sobāt dar nezām siāsi (Mental Integration of Political Elites inside Government and Forming Stability in Political System)," *Fasl'nāme-ye motāle'āt ravābet-e bein'ol-melal (Research Letter of International Relations)* 3,

- 12: 199-228. Available at: https://prb.ctb.iau.ir/article_524299.html (Accessed 14 June 2020). [in Persian]
- Khoramshad, Mohammad Bagher; and Mostafa Yaghinipour. (2017) "Monāze'h-ye siāsi va amniyat dar andishe-ye siāsi-ve Imam Khomeini (Political Conflict and Security in Imam Khomeini's Political Thought)," *Faslnāmeḥ-ye Āfāgh-e amniyāt (Journal of Security Horizons)* 10, 36: 5-38. Available at: https://ps.ihu.ac.ir/article_203681.html (Accessed 14 June 2020). [in Persian]
- Khosravi, Mohammad Ali; and Shohreh Shahsavari Fard. (2017) "Farhang-e siāsi-ve nokhbeḡān-e hākem va kār'āmad-e sāzemān'hā-ve ḡhaire'dolati-e jomhouri-e eslāmī-'i Irān (The Iranian Political Elite and NOG's Inefficiency)," *Dawlat'pajohi (State Studies)* 2, 8: 189-229, <DOI:10.22054/tssq.2017.7203>. [in Persian]
- Klini, Mohammad bin Yaḡob. (2008) *Osol-e Kāfi*, trans. Ahmad Banpour. Qom: Raz-e tavakol. [in Persian]
- . (1988) *Foro'-e kāfi*. Tehran: Darol-ketab al-Islamiyeh. [in Persian]
- Mardukhi, Bayazid. (2007) "Naghsh-e nahād'hā-ye nezām-e tadbir dar etehād-e melli dar Irān (The Role of Institutions of the Tadbir System in the National Unity in Iran)," *The Proceedings of the National Conference on National Unity: Strategies and Policies*. Tehran: Institute of Strategic Research of Expediency Discernment Assembly. [in Persian]
- Michon, Cyrille. (2007) "Opium, Virtus Dormitiva," in Max Kistler and Bruno Gnassounou, eds. *Dispositions and Causal Powers*. Burlington, VT: Ashgate.
- Moeen Abadi, Hossein; and Asghar Soltani. (2016, March) "Baresi-ye naghsh-e dāneshḡāh dar behbood-e mo'alefe'hā-ye amozesh-e siāsi-ye dāneshjoyān, motāle'h-ye moredi-ye dāneshḡāh-e bāhonar-e kermān (An Examination of the Role of University in the Improvement of the Components of Political Education of Students: A Case Study of Shahid Bahonar University of Kerman)," *Pajohesh'nāmeḥ-ye oloom-e siyāsī (Research Letter of Political Science)* 11, 1: 67-94. Available at: http://www.ipsajournal.ir/article_281.html (Accessed 21 June 2020). [in Persian]
- Mohammadi Rayshahri, Mohammad. (2006) *Mizan al-Hakm*. Qom: Dar al-Hadith.
- Moradi, Ali Asghar. (2016, April 30) "Tasāhol va tasāmoh dar andisheh-ye hokomati-ye Imām (Tolerance and Forbearance in Imam's Government Thought)," Imam Khomeini Portal, No. 148376. Available at: <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n120462> (Accessed 14 June 2020). [in Persian]
- Oroji, Fatemeh; and Mohammad Rezai. (2017, March) "Zamineh'hā-ye hamḡarā-i dar monāseb'āt-e mosalmānān va zartoshtiān dar mantegheh-ye fārs (Muslims and Zoroastrians Integration Basis in the Fars)," *Journal of Iranian Islamic Period History* 8, 14: 1-28. Available at: https://tuhistory.tabrizu.ac.ir/article_7014.html (Accessed 8 June 2020). [in Persian]

- Qasemi, Ali Asghar; and Gholam Reza Ebrahim'abadi. (2011, September) "Nesbat-e hoviyat-e melli va Vahdat-e melli dar Irān (The Relationship between National Identity and National Unity in Iran)," *Rahbord (Strategy)* 20, 59: 107-138. Available at: <http://rahbord.csr.ir/article/124412.html> (Accessed 12 May 2020). [in Persian]
- Rabiee, Hossein; and Mohsen Janparvar. (2012) "Bāz'namāi-e model-e tahlili barā-ye hal va fasl-e ekhtelāf'hā va monāze'āt-e sarzamini (Representing an Analytical Model for the Resolution of Territorial Disputes)," *Fasl-nāmeḥ-ye motāleāt-e rāhbordi (Journal of Strategic Studies)* 14, 54: 55-78. Available at: http://quarterly.risstudies.org/article_1295.html (Accessed 23 July 2020). [in Persian]
- Rajaei, Rauf. (2020) "Hal va fasl-e monāze'āt-e siāsi dar jomhourī-e eslāmī-'i Irān bā takid bar tashakol'hā va jenāh'ā-ye siāsi: baresi-ye model'hā-ye mojud va erā'eh-ye model-e matloob (The Resolution of Political Conflicts in the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on Political Organizations and Factions: An Analysis of Models and Presenting the Favorable Model)," *A PhD Dissertation*, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran. [in Persian]
- Rajabi, Parviz. (2011) *Karim Khān-e zand va zamān-e ou (Karim Khan Zand and His Time)*. Tehran: Simorgh, 6th ed.
- Rapoport, Anatol. (1967) *Fight, Games and Debates*. Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.
- Razaghi Mousavi, Seyed Qassem. (2004) "Modārā bā mokhālef va mobārezeh bā mo'āned dar seyreh-ye nabavi (Tolerance with Opposition and Fighting against Enemies in the Life of the Prophet (pbuh))," *Ma'rifat* 13, 86: 1-15. Available at: <https://marifat.nashriyat.ir/node/1960> (Accessed 12 August 2020). [in Persian]
- Razaghi, Sohrab. (1996) "Mo'lefeh'hā-ye farhang-e siāsi-ye mā (The Components of Our Political Culture)," *Fasl'nāmeḥ-ye Naqd Va Nazar (Journal of Criticism and Viewpoint)* 2, 7-8: 200-213, <DOI:10.22081/jpt.1996.22843>. [in Persian]
- Sarajzadeh, Seyed Hossein, et al. (2005) "Barresi-ye rābeteh-ye mizān va anvā'i dindāri-ye modārā-ye ejtemā'i (The Relationship between Degrees and Types of Religiosity and Social Tolerance)," *Majaleh-ye oloom-e ejtemā'i (Journal of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad)* 1, 4: 109-142, <DOI: 10.22067/jss.v0i0.3092>. [in Persian]
- Sarantako, Sitorios. (1998) *Social Research*. Hampshire and London: MacMillan Press, 2nd ed.
- Sariolghalam, Mahmood. (2007) *Farhang-e siāsi-e Irān (Political Culture of Iran)*. Tehran: Pajohesh'kadeh-ye motāleāt-e farhangi va ejtemā'i (Center for Cultural and Social Studies). [in Persian]
- Seongyu, Dal. (2002) *Farhang-e siāsi va tose'-ye siāsi, motāle'h-ye tatbeghi-ye Irān va koreh-ye jenobi (Political Culture and Political Development, A Comparative Study of Iran and South Korea)*. Tehran: Khaneh Sabz.
- Sevory, Roger. (2009) *Irān-e asr-e safavi (Iran under the Safavids)*, trans. Kambiz Azizi. Tehran: Nahr-e-Karzan, 18th ed. [in Persian]

- "Sokhanān-e masol-e daftar-e namāyandeghi-ye vali faghih dar jameyat-e helāl-e ahmar (The Statement of the Head of the Representative Office of Vali Faghih in the Red Crescent Society, The Ethics of Public Service and Tolerance with the People should be Strengthened)," (2017, 25 May) *Khorasan Seminary News Agency*, No. 17040. Available at: <https://www.hawzahnews.com> (Accessed 8 June 2020). [in Persian]
- Soltanivash, Ali. (2017) "Ravā' dāri dar andishe-ye siāsi Ayatollah Khamenei (Tolerance in the Political Thought of Ayatollah Khamenei)," *A Master's Thesis*, Tarbiat Modares Universit, Tehran, Iran. [in Persian]
- Soltanivash, Ali; and Mojtabah Zaree. (2019) "Jāygāh-e tasāhol va tasāmoh dar andisheh-ye siāsi-ye ayatollah Khamenei (The Place of Tolerance in the Political Thought of Ayatollah Khamenei)," *Fasl-nāmeḥ-ye Marifati (Journal of Knowledge Studies in the Islamic University)* 23, 1: 41-64. Available at: <https://www.sid.ir/paper/237066> (Accessed 12 May 2020). [in Persian]
- Tavasoli Roknabadi, et al. (2019, Spring) "Modārā-ye siāsi-e ejtemā'ī dar Irān-e mo'āser, Chashm'andāz-e Nazari be āsib'shenāsi-ye mafhomi va enzemāmi (Socio-Political Tolerance in Contemporary Iran, A Theoretical Perspective on Conceptual and Concrete Pathology)," *Majlis & Rāhbord (Journal of Parliament and Strategy)* 26, 97: 357-380. Available at: https://nashr.majles.ir/article_307.html (Accessed 14 June 2020). [in Persian]
- "The Text of the Charter of Citizen's Rights," (2016, 19 December) *Official Website of the President of the Islamic Republic of Iran*. Available at: <https://president.ir/fa/96859> (Accessed 14 June 2020). [in Persian]
- Tsang, Stephanie Jean. (2014) "Examining the Impact of News Attention and Education on Political Tolerance in Hong Kong," *Chinese Journal of Communication* 6, 3: 286-304, <DOI:10.1080/17544750.2013.789427>.
- Vogt, Paul W. (1997) *Tolerance and Education: Learning to Live with Diversity and Difference*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Yarmohammadi, Mohammad. (2008) "Tolerance and Forbearance in Imam Khomeini's Practical Way," *Proceedings the Congress of Imam Khomeini and the Thought of Islamic Government*. Available at: http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_129707 (Accessed 23 July 2020). [in Persian]
- Zalizadeh, Mohsen, et al. (2016, January) "Barresi-ye jāme'eh'shenākhti-ye ab'ād-e modārā-ye ejtemā'ī bā takid bar vizhige'hā-ye shakhsīati, mored-e motāle'h-ye dāneshjoyān-e dāneshgāh shahid chamrān ahvāz (The Study of Sociological Aspects of Social Tolerance with an Emphasis on Personality Traits)," *Majaleh-ye jāme'eh'shenākhti karbordi (Journal of Applied Sociology)* 26, 4: 149-164. Available at: https://jas.ui.ac.ir/article_18423.html (Accessed 23 July 2020). [in Persian]
- Zamani, Tuba, et al. (2020, July) "Tafsir-e nā'bordbari-e ejtemā'ī az manzar-e nokhbeḡān-e dāneshgāhi va erā'eh-ye model-e Nazari (Interpretation of Social Intolerance from the Perspective of Academic Elites and the Presentation of a Theoretical Model)," *Fasl'nāmeḥ-ye motālē'āt va*

tahghihat-e ejtemā'i dar Irān (Journal of Social Studies and Research in Iran) 9, 2: 393-421, <DOI: 10.22059/jisr.2020.294979.996>. [in Persian]

- Zanganeh, Peyman; and Somayeh Hamidi. (2015, Spring) "Vākāvi-ye asār'āt-e siāsat-e tasāhol va modārā bar farāyand-e tose'-ye pāeidār dar Irān (Analyzing the Effects of the Policy of Tolerance on the Process of Sustainable Development in Iran)," *Rahvāft-e enghelāb eslāmi (The Islamic Revolution Approach)*. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1196669> (Accessed 16 October 2020). [in Persian]
- Zare, Hossein; and Rahmaollah Roohi. (2016, October) "Hoghogh-e aghaliyat'hā-ye dini dar nahjol'olbalāgheh (The Rights of Religious Minorities in Nahj olbalagheh)," *Seraje Monir* 7, 24: 105-134, <DOI:10.22054/ajsm.2016.8091>. [in Persian]
- Zibakalam, Sadegh; and Morteza Moghtadaee. (2015) "Ahzāb-e siāsi va naghsh-e ān dar tose'-ye siyāsī-ye Irān (The Political Parties and Their Role in Political Development of Iran, A Case Study of Elections)," *Faslnāmeḥ-ve oloom-e siyāsī (Political Science Quarterly)* 10, 29: 7-28. Available at: https://psq.karaj.iau.ir/article_523751.html (Accessed 12 May 2020). [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی